

نظری به پنجاه سال فعالیت حزب طبقه کارگر در ایران *

چشمی که ما امروز برگز ار میکنیم بمناسبت پنجاهمین سالروز تشکیل رسمی حزب کمونیست ایرانست که حزب ما، حزب توده ی ایران وارث بالاستحقات و ادامه دهنده ی راه آن میباشد.

این جشن راماد رسالی برگز ار میکنیم که مصادف با سالگرد های مهمی خواه در مقیاس جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری و خواه در مقیاس نهضت داخلی خود کشور ما است.

۲۲ آوریل گذشته جشن صد مین سال تولد ولاد یمیر ایلیچ لنین، پیشوای بزرگ زحمتکشان جهان برگزار شد که بانی نخستین دولت سوسیالیستی جهان بود. دولتی که تشکیل آن موجب تحولات بزرگی در جنبش رهائی بخش کشور ما و رهائی آن از چنگک د و امپریالیسم گشت.

لنین توجه خاصی به انقلاب ایران و جنبش رهائی بخش خلقهای ماد اشد. در مقالات متعدد د اوبه این موضوع اشاره کرد ه و حتی قطعنامه ویژه ای پنا به پیشنهاد وی از جانب کنفرانس پراگ حزب سوسیال د مکررات کارگری (پلشو یك) روسیه در سال ۱۹۱۲ صادر شد که مد اخله ی حکومت تزار را بمنظور سرکوب انقلاب مشروطیت ایران سخت محکوم بینمود.

راجع باین موضوع د رسمینارهای متعدد ما، خواه بمناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب کمیسر سوسیالیستی اکتبر و خواه بمناسبت صد مین سالگرد تولد لنین کبیر بتفصیل سخن رفته است و در ایمن سخنرانی احتیاجی به تکرار آن نیست.

۱۹ ماه مه گذشته نیز ۵۰ سال از روز برسمیت شناخته شدن حکومت شوروی از طرف ایران گذشت.

در آن موقع اوج انقلاب در سراسر شمال و آغاز جنبش در نقاط د یگر کشور دولت ایران راواد ار کرده حکومت نو بنیاد شوروی را برسمیت پشنامد و این افتخار برای مردم ایران باقی ماند که مانخستین کشوری بودیم که روسیه ی شوروی، حکومتی را که لنین تشکیل داد ه بود، برسمیت شناختیم.

بالاخره امسال مصادف است بانود مین سال تولد حید رعواغلی، انقلابی بزرگ، یکی از نو سمنین حزب کمونیست ایران و رهبر شایسته و واقع بین نهضت کمونیستی کشور ما که در مبارزه برای سعادت و نیکروزی مردم ما جان سپرد. سرپای زندگی حید رعواغلی توأم با جنبش سوسیال د مکرراسی و کمونیستی ایسرانست. ولذا بحق حزب ما تصمیم گرفته است جشن نود مین سالروز تولد این شخصیت بزرگ انقلابی با برگزاری پنجاهمین سالروز تشکیل حزب کمونیست ایران توأم گردد.

امروز پنجاهمین سالروز رسمی حزب کمونیست ایرانرا برگزار میکنیم. تکیه ی خاص ما روی کلمه ی رسمی از این جهت است که تاریخ جنبش کمونیستی کشور ما محدود به این پنجاه سال نیست. آغاز رسوخ افکار و تشکیل گروههای سوسیال د مکرراسی را، که مقدمه ی تشکیل جمعیتها و احزاب ماقبل حزب کمونیست بود، باید آغاز سده ی بیستم دانست.

نمونه ی فعالیت و اقدامات علی سوسیال د مکرراتهای ایران و همکاری آنها با سوسیال د مکرراتها (پلشو یك) روسی از سال ۱۹۰۱ بچشم میخورد.

(*) سخنرانی رفیق عبد الصمد کامبخش د دبیرکمیته ی مرکزی حزب توده ی ایران در جلسسه ی جشن

مدارك موجود حاکی از آنست که از آغاز سال ۱۹۰۱ سوسیال دموکراتها در تیریز فعالیت نهانی داشتند. از انجمله رساندن روزنامه ی "ایسکرا" بود که از طریق برلن - وین - تیریز به باکو فرستاده میشد و این کارتحت نظر شخصی لنین و کروپسکایا (همسر لنین) انجام میگرفت. برنامه ای که کروپسکایا در ماه مه ۱۹۰۱ از سومیس به متصدی این کار در حاجی طرخان (هشترخان) نوشته است گفته میشود:

"از طریق ایران چهار بسته فرستاده شد ۰۰۰ چگونگی را اطلاع بده، سرعت حمل مطبوعات تساجه اندازه است؟ دانستن این موضوع اهمیت دارد تا بدانیم آیا این راه برای ارسال شماره های "ایسکرا" هم بدرد خور است یا اینکه تنهامتوان جزوات را از این راه حمل نمود."

(از این جا پیداست که تا آن موقع جزواتی حمل شده بود است و در صد دپوه اند روزنامه ی "ایسکرا" راهم بفرستند)

در پاسخ گالهرین - نماینده ی روزنامه ی "ایسکرا" در باکو که در پرسیدن مطبوعات ارسالی را دلیل نامناسب بودن این راه میداند، لنین شخصاً مینویسد:

"مدت زیادی نیست که ما از وین به ایران (مطبوعات) ارسال داشته ایم و اظهار نظر در این باره عجولانه خواهد بود. چه بسا که موفقیت داشته باشیم. صاحب آدرس راد رشهیر تیریز مطلع سازید که باید کتابهایی از برلن دریافت کند و رسید آنها را اطلاع دهید."

نخستین آورندگان افکار و تشکیل دهندگان گروههای سوسیال دموکرات ایرانیان بودند که برای کار فصولی و موسی و یانستتا در زمدت به ماورا قفقاز آسیای میانه بپوزه برای کار در صنایع نفت باکو رفت و آمد میکردند.

از مراجعه به آمار گمرکی ایران و دفاتر کارگزاری (که رفت و آمد های بدون گذرنامه راکه در آن موقع مرسوم بود در بر نمیگردد) میتوان بوسعت این رفت و آمد ها پی برد. عده ی افرادی که برای کارهای فصلی بمقصد روسیه از مرزهای ایران خارج شده اند در سال ۱۹۱۱ بیش از ۱۹۰ هزار نفر و مراجعت کنندگان اندکی بیش از ۱۶۰ هزار نفر و در سال ۱۹۱۳ بترتیب در حدود ۸۲ و ۶۶ هزار نفر بوده اند بطور کلی ۵۰٪ یعنی نیمی از کلیه ی کارگران صنایع نفت باکو را ایرانیان تشکیل میدادند و از میان آنهاست که اشخاصی نظیر حیدرعواغلی بیرون آمده اند.

سوسیال دموکراتهای بلشویک قفقاز آنها را آماده میساختند و به آنها برای مبارزه در میهنشان الهام می بخشیدند و آنها را مجهز مینمودند. در پیامی به عده ای از این کارگران که در راستا انقلاب مشروطیت بایران مراجعت میکنند از طرف جلیل محمد قلی زاده مدیر مجله ی "ملانصرالدین" که در ایران شهرتی بسزا بدست آورده بود چنین میخوانیم:

"پس از آمدن به میهنتان مردم برهنه، گرسنه و ستکش نظیر خودتان را گرد آورید، به آنها مژده دهید که طبقه ی کارگروسیه بپا خاسته است. به همشهریان کارگر بگوئید که رفقای روسی بآنهاد رود میفرستند، بآنها اطمینان دهید که اگر اه رفقای اینجا را پیش گیرند و بخواهند از بوغ استبداد رهائی یابند، اگر خواسته باشند حقوق انسانی خود را بکف آورند و نفسی به آزادی بکشند، آنگاه است که رفقای آنها در روسیه خود را بپادگاری آنها خواهند سپرد. بگذار مردم تحقیر شده و فقر زد کارگر شعار ما را روی پرچم بخوانند: رنجبران روی زمین متحد شوید. بگذار بخوانند و متحد شوند."

حزب بلشویک روسیه صرفنظر از تبلیغ اید ه های مارکسیستی در میان کارگران ایرانی و کشاندن آنها به مبارزه ی عملی فعالیت ویژه ای برای تشکیل آنها انجام میداد . چنانکه در سال ۱۹۰۴ به ابتکار بلشویکهای روس توسط گروهی از سوسیال دموکراتهای ایرانی جمعیتی بنام " همت " تشکیل شد که بتدریج نضج گرفت و عد هی قابل ملاحظه ای از کارگران ایرانی صنایع نفت پاکو را در ورخود گرد آورد . آنها از طریق این جمعیت برای مبارزه در راه تا همین حقوق خود تجهیز و رفته رفته به مبارزات سیاسی جلب میشدند .

اعتصاب عمومی و نمایش عظیم کارگران نفت که بمناسبت کشته شدن صفرعلی اوف - یکی از رهبران جمعیت " همت " برپاگردید تا آنروز سابقه نداشت و هشداری برای حکومت تزاری بود . پس از آن روز نامه ی " همت " ارگان این جمعیت توقیف شد و فعالیت جمعیت پیش از یکسال نپائید . ولی نقش تاریخی خود را بازی کرد . جمعیت سوسیال دموکرات (اجتماعيون عاميون) تحت رهبری نریمان اوف بر زمینة ی همین جمعیت بوجود آمد .

جمعیت " همت " فعالیت قابل توجهی در زمینه ی رسوخ اندیشه های انقلابی انجام داد . روزنامه " همت " ارگان این جمعیت در حقیقت نخستین نشریه ای بود که اندیشه های مارکسیستی - لنینیستی را به ایران آورد و کارگران ربا روجه ی همدردی و انترناسیونالیستی پرولتری تربیت مینمود .

از آن هنگام تا به امروز انترناسیونالیسم پرولتری مانند رشته ی سرخی از کلیه ی جنبش کمونیستی ایران میگردد و هیچ کوششی از جانب پد خواهان و دشمنان مانتوانسته است مارا از این شاهراه منحرف سازد .



سوسیال دموکراسی ایران گرچه نتوانست شکل یک حزب واحدی بپخود بگیرد ولی سازمانهای جداگانه ی آن نقش بزرگی در بسط و پایداری انقلاب مشروطیت بپهزه در نواحی شمال ایران - آذربایجان و گیلان بازی کردند .

عد هی زیادی از سوسیال دموکراتهای بلشویک قفقاز به کمک سوسیال دموکراتهای ایران شتافتند . در تاریخ ۳ فوریه ی ۱۹۰۷ گارتو یک سفیر روس در ایران به وزارت خارجه ی روسیه چنین گزارش میدهد :

" رابطه ی انقلاب بچون ایران بپهزه نواحی مرزی (گیلان و آذربایجان) با کمیته های قفقاز بدون شك برقرار است . شبنامه های فراوانی که در اینجا باشعار " عدالت ، آزادی ، مساوات " منتشر میشود در چاپخانه ی انقلابی شهر باطوم طبع میشود ."

در یادداشتهای چرچیل مترجم سفارت انگلیس که به گیلان سفر کرده بود چنین میخوانیم :

" برای من کاملاً آشکارگشت که جنبش رشت در قفقاز طرحریرزی گردیده و بدست یک دسته قفقازیان مضمم که عد هی آنها از ۵۰ تن بیش نبود اجرا گردیده و طی شش هفته ای که از هشتم فوریه گذشته است بر تعداد این افراد افزوده شده و بطوریکه بمن گفته شد عد هی آنها اکنون به ۳۵۰ تن بالغ است ."

انقلاب مشروطیت ایران که یک انقلاب پورژوائی بود و در نقاط دیگر کشور و خود مرکز از این چهارچوب فراتر نرفت ، بهمت سوسیال دموکراتهای ایران و کمیته های ارزنده ی بلشویکهای قفقاز ، در شمال ایران بپهزه در آذربایجان جنبه ی وسیع توده ای بپخود گرفت و در فضاء تبریز به اوج خود رسید ،

بطوریکه توجه همه ی جهانیان را بخود جلب کرد.
 لنین با توجه خاص خود به جنبش رهایی بخش ایران طی مقاله ی "مواد انفجاری در سیاست جهانی" مینویسد :

"وضع انقلاب بیون ایران درکشوریکه از یکطرف اربابان هند و ازسوی دیگر حکومت ارتقا روس در شرق تقسیم آندند ، پس دشوار است . ولی مبارزه ی سرسخت تبریز ، کامیابیهای مکرر نظامی انقلابیون ، که بنظر میرسید در هم شکسته اند ، نشان میدهد که سردمداران شاه حتی باگرفتن کمک از لیاخوف های روس و دیپلمات های انگلیس نیز باشد بدترین مقاومتها ی توده ی مردم روبرو هستند . چنین جنبش انقلابی که میتواند به کوشندگان پارکشت به دوران گذشته اسلحه بدست پاسخ دند انشکن بدهد و قهرمانان چنین کوششهایی را مجبور به درخواست کمک از خارج بکند محو شدن نیست و حتی پیروزی کامل ارتجاع ایران در این شرایط تنهامتواند آستانه ی هیجانهای نوین توده ای بشود ."

صحت این پیشگویی لنین را انقلاب پهای بعدی آذربایجان ، گیلان ، خراسان به ثبوت رسانید . در باره ی اهمیت و عظمت انقلاب مشروطیت ایران و مبارزه ی مسلحانه ای که در شمال انجام شد مطالب بسیاری نوشته شده که یکی از آنها را برای نمونه ذکر میکنم .
 پاولوچ از تاریخ نویسان انقلابی روس ، انقلاب ایران را چنین وصف میکند :

"در میان کشورهای آسیائی ، ایران نخستین کشوریست که صلابت جنگ را طبعی استیلا د شاهان خود ، علیه زورگویی دد منشانه ی حکومتهای اروپائی ، که پشت سرآنان ایستاده اند ، در داد . ایران پیشتاز کوچک آسیای بیدار شده است . ولی پیشتازی است جسور که تادل اردوگاه خصم تاخته و با وجود کوچکی خود هراس در دل دشمن افکند . است ، زیرا از پیمان هند ۳۰۰ میلیونی و سپس چین ۵۰۰ میلیونی دد حرکتند ."



در راس موسیال دموکراتهای قفقاز که یکمک انقلاب بیون گیلان آمد بودند ، سرگی ارزنیکیس زه قرار داشت . زیر نظر وی قسمتی ازمانیفست حزب کمونیست مارکس و انگلس بزبان فارسی ترجمه شد که متأسفانه نسخه ای از آن در دست نیست .

از جهت رسوخ افکار واندیشه های شرقی ددورانی را روزنامه ی "ایران نو" بوجود میآورد (۱۹۱۰) . در این روزنامه (که رسماً ارگان حزب دموکرات بود) موسیال دموکراتها نفوذ ژرفی داشتند . در سسر مقاله ها و پکرشته مقالات مسلسل این روزنامه به مطالب زیادی در باره ی مارکس و مارکسیسم ، قانونمکد تکامل جامعه ، مبارزه ی طبقاتی ، برخورد مارکسیستی به ترور انفرادی ، نقش شخصیت دد تاریخ و نظیر آن برمیخوریم که برای آن زمان بسیار روشن کننده است .

انقلاب مشروطیت ایران بواسطه ی دخالت نیروهای مسلح خارجی ، و ورود ارتش روسیه ی تزاری و فعالیت امپریالیسم انگلیس ناکام ماند . ولی جنبش پایان نپذیرفت . بویژه موسیال دموکراتهای ایران که تجاربی بدست آورد بودند اکنون در صد دتشکل نیروهای خود برآمدند .

در سال ۱۹۱۶ عد ه ای از کارگران ایرانی گروهی بنام " عدالت " بوجود آوردند که برپایه ی آن در ماه مه ۱۹۱۷ حزب سوسیال دموکرات " عدالت " بر رهبری اسداله غفارزاده ، یکی از انقلاب بیسون

باتجربه ی زمان خود تشکیل گردید.

اکنون تحت تاثير انقلاب فوری ی روسزمینه ی مساعدتری برای فعالیت سیاسی فراهم شده بود. حزب عدالت علاوه بر هسته های که در میان ایرانیان مقیم ماوراء قفقاز، عشق آباد، تاشکند و غیره داشت، موفق شد سازمانهای خود را به نقاط متعدد ایران، آذربایجان، گیلان، خراسان و تاحدی خسود تهران بسط دهد.

حزب دارای دو ارگان چاپی بود: مجله ی "بهری عدالت" و روزنامه ی "حریت". در مقدمه ی منتشره در روزنامه ی "حریت" خصوصیات این حزب بعنوان يك حزب پرولتری انترناسیونالیستی ذکر و گفته شده است که حزب عدالت متعلق به کارگران و دهقانان است ولی صفوف آن برای قشرهای دیگر زحمتکش نیز باز است. عدالت حزبی است که در راه نیکروزی همه ی زحمتکشان جهان و برای خدمت به همه ی بشریت تشکیل یافته است و در راه تبلیغ اندیشه های سوسیال دموکراسی و برقراری مالکیت عمومی بروسائل تولید مبارزه میکند.

نخستین کنفرانس حزب با حضور نمایندگان از سازمانهای حزبی در ۳ خرداد ۱۲۹۹ (۱۳ آوریل ۱۹۲۰) تشکیل شده. در این کنفرانس حیدرعواغلی گزارش مبسوطی حاوی تحلیل وضع آبروز ایران خواه از نظر اقتصادی و خواه سیاسی، روش حزب نسبت به سلطنت، مسائل سازمانی و تاکتیکی حزب و غیره داد که منجر بحدور سندی گردید که در آن تجاوزات امپریالیسم در کشورهای خاور بویژه در ایران تشریح شده و وظیفه ی مبارزه علیه اسارت ایران بدست امپریالیسم انگلیس در مقابل سازمان حزبی قرار میگرفت. در مسائل سازمانی کنفرانس که تنهائمانند ه های بخشی از سازمانها در آن شرکت داشتند نتوانست تصمیماتی اتخاذ کند و مرکزی برای سرتاسر حزب بوجود آورد.

تنهائپس از اینکه اوج انقلاب گیلان فعالیت غنی کمونیستهارا در این منطقه امکان پذیر نمود حزب عدالت موفق شد کنگره ی خود را با حضور نمایندگان همه ی سازمانها در تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۲۰ در شهر انزلی (پهلوی امروز) برگزار کند که ما آنرا کنگره ی مؤسسان حزب کمونیست ایران میدانیم و جشن امروز نیز بدین مناسبت است.



در این نخستین کنگره که لنین و نریمان نریمان اف بریاست اقتخاری آن برگزیده شدند نام حزب "عدالت" به "حزب کمونیست (عدالت) ایران" بدل شده که بعدا کلمه ی "عدالت" نیز از آن حذف گردید. کنگره برنامه و اساسنامه ی حزب را تصویب نمود.

مواد اساسی نخستین برنامه ی حزب کمونیست ایران مصوب در کنگره ی اول عبارت بود از اخراج کامل امپریالیست های انگلیس از ایران، سرنگون ساختن سلطنت قاجاریه، اعلام جمهوری، ایجاد حکومت دموکراتیک، مصادره ی زمین های ملاکان بزرگ و فتوای ها و تقسیم بلا عوض آن میان دهقانان، لغو امتیازات خارجی و غیره.

در برنامه ی مصوب کنگره ی اول حزب کمونیست ایران نیز یکبار دیگر روی وظیفه ی انترناسیونالیستی حزب تکیه ی خاصی شده است و گفته میشود که ما با پشتیبانی زحمتکشان و پرولتاریای همه ی جهان که پرچم سرخ انقلاب سوسیالیستی را برافراشته و شعار مشترک "پرولتاریای جهان متحد شوید" را اعلام داشته اند، به هدف خود نائل خواهیم شد.

کنگره، کمیته ی مرکزی را مرکب از ۱۵ نفر انتخاب نمود.

امکان فعالیت غنی نیروهای انقلابی و تشکیل کنگره ی حزب کمونیست ایران در نتیجه ی انقلاب کبیرا کتبر و گسترده شدن پیروزیها ی حکومت شوروی در مراحل بعدی تارمزها ی ایران پیدا شد.

پس از نخستین انقلاب روسیه — انقلاب فوریه ی ۱۹۱۷ و برافتادن حکومت تزاری روسی، انگلیسی ها که اکنون دیگر بدون رقیب مانده بودند خود را تنها مالک الرقاب ایران میدانستند. ایران تو مستط نیروهای انگلیسی اشغال شد. در سال ۱۹۱۹ انگلیسها موفق شدند با دولت وثوق الدوله قرارداد ملی منعقد سازند که رسماً ایران را تحت الحمايه ی انگلیسی میساخت. با اینکه قرارداد تنها پس از تصویب مجلس شورای ملی میتوانست قدرت قانونی یابد، عملاً به اجرای پاره ای مواد آن دست زده شده بود. امپریالیسم انگلیسی به اشغال ایران اکتفا نکرد و در صدد تصرف مراکز صنعتی مهم ماورا قفقاز و به ویژه صنایع نفت پاکو بود. در این مورد نین طی نطقی در جلسه ی کمیته ی اجراییه ی مرکزی روسیه در ۲۹ ژانویه ۱۹۱۸ گفته:

«انگلستان ایران را تماماً بلعیده است و اکنون خود را با نیروی نظامی به جنوب قفقاز نزدیک میکند.»

حکومت های پوشالی کشورهای ماورا قفقاز که بدست مساواتی ها و دانشناکمان تشکیل یافته بودند خود را عملاً زیر حمایت انگلیسی قرار دادند. ارتش انگلیسی رهسار قفقاز گردید. کوچک خان که پس از شکست از قزاقان روس تحت فرماندهی سرهنگ بیچراخوف تاب مقاومت در مقابل نیروی انگلیسی نداشت به سازش و عقد قرارداد عدم تعرض با انگلیسها تن داد و نیروی انگلیسی برای اشغال پاکو و نواحی ماورا قفقاز راه یافت.

ولی پیروزیهای حکومت شوروی ورق را برگرداند. انگلیسها نه تنها پایگاههای خود را در ماورا قفقاز، بلکه قسمت شمال ایران را نیز ترك کردند.

بدین طریق میدان فعالیت طنی برای نیروهای دموکراتیک و حزب کمونیست ایران باز شد. انقلاب گیلان اوج گرفت. در ماه ژوئن، اندکی قبل از تشکیل کنگره ی حزب کمونیست ایران، کوچک خان پسر نیروهای خود وارد رشت شد و در رگیلان جمهوری شوروی اعلام گردید. در این مرحله حزب کمونیست یکی از نیروهای اصلی محرکه ی انقلاب گیلان بود. و در حقیقت حکومتی که تشکیل شد حکومت جبهه ی واحد همه ی نیروهای انقلابی بود که اگر دچار اشتباهات و اختلافات نمیشد امکانات بزرگی برای کامیابی های بعدی داشت.

متأسفانه حکومت انقلابی گیلان در این ترکیب خود در پری نپاید. از یکسو کوچک خان که نمایندگی ملاکان و بورژوازی متوسط و بطور عمده خرد بورژوازی بود، از گسترش انقلاب بیمناک شده بود. از جانب دیگر رهبری حزب کمونیست نتوانست مواضع و احوال و مرحله ای را که انقلاب طی میکرد درک کند. شور و هیجان انقلابی که انگاشی به تجزیه و تحلیل ژرف و صحیح مارکسیستی نداشت رهبران حزب را دچار بیماری همه گیر زمان خود یعنی چپ روی و سکتاریسم کرد. رهبران حزب بدون توجه به مرحله انقلاب شعار انقلاب سوسیالیستی را پیش کشیدند و با اقدامات چپ روانه و نقش تصدیقات کنگره ی اول که مبارزه علیه امپریالیسم را در یک جبهه ی واحد لازم دانسته بود، مالکین متوسط، بورژوازی و خرد بورژوازی و کوچک خان نمایندگی این طبقات را که جناح مهم انقلاب بودند، رماندند. در نتیجه ی این کشتار و جانیه حکومت ملی متلاشی شد.

تشکیل نخستین کنگره ی خلقهای خاور در پاکو در دهه ی اول سپتامبر ۱۹۲۰ که نمایندگی حزب کمونیست ایران بریاست حید رعوغلی در آن حضور داشت با تجزیه و تحلیل صحیح از وضع جنبش های رهایی بخش ملی شرق و تماس بعدی عده ای از نمایندگان این کنگره، از جمله نماینده ی ایسران رفیق آخوندزاده، با کمینترن و شخص نین کک بزرگی به بهبود وضع داخلی حزب گردید.

در رهبری حزب تحول بوجود آمد و حید رعوغلی به دبیری حزب انتخاب شد. در ژانویه ی ۱۹۲۱

تزه‌ای معروف حیدرعواظی در باره‌ی وضع اجتماعی و اقتصادی ایران و تاکتیک حزب کمونیست (عدالت ایران) بنصوب رسیده رهنمود برای کارآیند ه‌ی حزب بود.

در این تزه‌ها بد و اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و از جمله گفته شده است که ایران در حال حاضر در آستانه‌ی گذار از نظام قبیله‌ای و فئودالی بسوی سرمایه‌داری است. ۵۰۰ یگانه طبقه مولد ایران طبقه‌ی دهقانان است که زیراستثمارشدید ملاکان فئودال و دولت‌های منگی پایین طبقه میباشند.

ایران فاقد صنایع بزرگ ماشینی است. گام‌هایی که برای ایجاد صنایع در اواصل سده‌ی حاضر برداشته شد در نتیجه‌ی رقابت انگلیس و روسیه‌ی تزاری خنثی گردید و بنابراین در مرحله‌ی فعلی ایران فاقد پرولتاریای صنعتی است. ۵۰۰ صدها هزاران پیشه‌وران صنایع دستی در اثر رقابت خارجی به صف بیکاران و لومین پرولتاریای شهر افزوده شده‌اند.

سرمایه‌ی بازرگانی که مقاومت بیشتری نشان داد نیز در اثر انحصار اعتبارات در دست بانکهای خارجی، در آستانه‌ی ورشکستگی کامل است.

در تزه‌ها پس از ذکر نقش بزرگی که روحانیون در زندگی کشور بازی میکنند روحانیون به دو قشر مشخص تقسیم شده‌اند: قشر بالایی که در ردیف ملاکان بزرگ قرار گرفته است و طبعا در منافع طبقه آنها شریک است و قشر دیگری که بخش عمده‌ی آن شهر نشین هستند و از لحاظ طبقاتی منافعیشان با منافع خرد و بورژوازی یکی است.

در تزه‌ها ذکر شده است که طبقه‌ی حاکمه‌ی ایران منگی به ملاکان بزرگ است که تعدادشان در سرتاسر کشور از ۳۰۰ نفر تجاوز نمیکند و هر یک از آنها دارای ده‌ها و صدها ده هستند.

نتیجه اینکه ایران نه تنها در حال صعود اقتصادی نیست، بلکه منحنی نزول را طی میکند، و لذا وجود زمینه‌ی مناسبی برای انقلاب فراهم ساخته است.

و امانیروهایی که بالقوه میتوانند به انقلاب بگردند در تزه‌ها به ترتیب زیر طبقه بندی شده‌اند:

هزاران پیشه‌ور ورشکسته، کارگران بنگاههای تعطیل شده و دهقانان بی‌خانمان که رو بهم رفته طبقه‌ای از فقرای شهرانشکیل میدهند. طبقه‌ی دهقانان بی‌زمین. طبقه‌ی وسیع بازرگانان خرد و متوسط که در حدود ۳۵ میلیون نفرند و در پرتگاه فقر و نیستی قرار گرفته‌اند.

از تجزیه و تحلیل فوق و ظایف میرم حزب نیز تعیین شده است که خلاصه‌ی آن عبارتست از تهیه هرچه بیشتر کادریهای استوار، جمع آوری همه‌ی نیروهای انقلابی زیر پرچم جنبش رهایی بخش ملی، تبلیغات وسیع برای شناساندن نقش امپریالیسم جهانی و سیاست انگلیسها در ایران، تبلیغات وسیع میان دهقانان و فقرای شهر بمنظور بیدار کردن آگاهی طبقاتی آنها. ۵۰۰۰۰ بادر نظر گرفتن تعصبات مذهبی آنها. کار وسیع سازمانی بین طبقات زحمتکش، تشکیل اتحادیه‌ها، شرکتهای تعاونی و غیره، تشکیل نیروی مسلح انقلابی - ملی برای مبارزه با امپریالیستهای خارجی و دولت شاه ۵۰۰۰۰

و اما خط مشی عمومی حزب بایستی مبتنی بر اتحاد همه‌ی طبقات از پرولتاریا گرفته تا بورژوازی متوسط طبقه سلطنت قاجاریه و امپریالیسم باشد.

در این تزه‌ها تیزی عمده‌ی مبارزه‌ی داخلی حزب متوجه عناصر چپ است که با سیاست سکتاریستی خود موجب انشعاب در حکومت موقت ملی شدند. ولی در عین حال عناصر راست نیز در جریان مبارزه با چپ روی پیدا شده بود ندکه معتقد بودند شعار مصداق‌ده‌ی املاک بطور کلی باید از برنامه‌ی حزب حذف گردد تا طبقه‌ی مالکین در کنار نیروهای دولتی به مبارزه با انقلابیون دست نزنند.

در مقابل این انحراف در تزه‌ها گفته میشود: باید در نظر داشت که از یکطرف مبارزه طبقه انگلیسها خواه ناخواه ملاکان بزرگ را که انگلیسها پشتیبان آنها هستند برمیانگیزاند و از طرف دیگر مصداق‌ده‌ی

اموال این طبقه بهیچوجه تضاد ی با منافع خرد ه بورژوازی و بورژوازی متوسط ند ارد و آنها را از انقلاپ دور نمیکند و حال آنکه این عمل محرکی خواهد بود برای دهقانان که به جنبش انقلابی بپیوندند .

ترزهای حیدرعواظلی مهابه ی کمیته ی مرکزی حزب (د ترکیب نو ین خود) در حقیقت نخستین آزمایش جدی تعیین تاکتیک حزب و وظائف مبرم آن بر اساس تحلیل مارکسیستی و طبقاتی و تعیین متفقین پرولتاریا در مرحله ی معین انقلاب بود . بدیهی است که این ترزا برای همان زمان نیز خالی از نقص نبود . از انجمله د ر تحلیل طبقات موجود اشاره ای به بورژوازی کمپرادور که یکی از پایه های رژیم آنروزی بوده است نشده و برخی نکات دیگر ولی این نارسائیهها بهیچوجه از اهمیت آن نمیکاهد .

سیاست نو ین حزب زمینه ی بسیار مساعدی برای همکاری همه ی نیروهای انقلابی آنروز و در درجه ی اول بانبروی جنگلی هافراهم ساخت و این همکاری برای مدت کوتاهی بوجود آمد . انقلاب از نو نیرو گرفت . در یکی از جنگها ارتش انقلابی به سرکردگی حیدرعواظلی شکست سختی به نیروههسا ی دولتی وارد ساخت .

ولی تزلزل نیروهای بینابینی انقلاب قوت میگرفت . کوچک خان از پیشرفتها ی حزب کمونیست هراسناک بود . بالاخره این تزلزل کار را به خیانت کشاند . حیدرعواظلی غد ارانه بد ست کوچک خان کشته شد . کمیته ی انقلابی که پس از ترمیم کمیته ی مرکزی حزب تشکیل شده بود در هم ریخت . ارتجاع و در را ش آن رضاخان به کوچک خان نیز ایقا کرد . وی بهنگام عقب نشینی در کوه های طالش از سرما تلف شد و سر بریده اش را برای رضاخان آوردند .

انقلاب گیلان یکی از برجسته ترین صفحات جنبش انقلابی نه تنها ایران بلکه خاورمیانه ونزدیک است . تشکیل جمهوری گیلان زینت بخش تاریخ مبارزه ی مسلح مردم ایران برای استقلال و آزادی خویش است . در این جنبش حزب کمونیست ایران با همه ی نواقص و اشتباهات ، نقش مهم خود را در سازمان دهی و بسیج توده هابازی کرد و تا شیرعقی در سیر حوادث داشت .

از نقطای مهم این جنبش و بطور کلی جنبشی که سراسر کشور را فراگرفت لغو قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس ، انعقاد قرارداد فوریه ی ۱۹۲۱ بادولت شوروی و خروج نیروهای انگلیس از ایران بود . اتکا مردم ایران در این مبارزه به حکومت نو بنیاد شوروی بود . حکومت شوروی بلافاصله پس از انعقاد قرار داد ایران و انگلیس در ۱۹ اوت ۱۹۱۹ رسماً پشتیبانی خود را از مبارزه ی مردم ایران علیه امپریالیسم انگلیس اعلام داشت . در این پیام گفته شده است :

« در این هنگام که فاتح سمرست یعنی درنده ی انگلیسی در صد دست کمند بردگی را برگردن مردم ایران بیافکند ، حکومت کارگری و دهقانی جمهوری روسیه با قاطعیت هر چه تمامتر اعلام میدارد که قرارداد انگلیس و ایران ، قرارداد ای راکه به این بردگسی تحققی میبخشد برسمیت نمیشناسد . . . مردم زحمتکش روسیه دست برادری خود را بسوی شما توده های زحمتکش ستمدیده ی ایران دراز میکنند . دور نیست لحظهای که ماعلا موفق شویم وظیفه ی مبارزه ی مشترک خود را بهمراه شما طیه درندگان بسزک و کوچک و ستمگران که سرچشمه ی زجر و شکنجه های بیشمار بوده اند انجام دهیم . »



پس از شکست انقلاب گیلان دوران دیگری در زندگی حزب کمونیست ایران آغاز میشود . دوران سازماندهی و گسترش فعالیت سازمانی حزب در نقاط مختلف کشور و قبل از همه در مرکز . در پید و امسر حزب کمونیست در شرایط نسبتاً مساعدی قرارداد اشت . رضاخان که برای رسیدن به قدرت مطلق و

برانداختن سلطنت قاجاریه ، انکاء اجتماعی مطمئنند داشت نمیتوانست نیروهای مرفقی و از انجمله حزب کمونیست ایران را نادیده بگیرد . با آنکه حزب کمونیست از آزادی برخوردار نبود در این مرحله امکاناتی برای بسط فعالیت سازمانی واید طولونك وجود داشت

از نظر سازمانی در دست داشتن رهبری اتحادیه های کارگری از طریق فراکسیون های حزبسی ، تشکیل جمعیتهای فرهنگی ، شرکت در احزاب مرفقی و تشکیل فراکسیون در این احزاب و غیره . یگانه حزب مرفقی آنزمان حزب اجتماعيون بود که توسط سلیمان مهرزا از عناصر مرفقی تشکیل شده و شاخه های خود را در اغلب شهرستانها گسترش داد . حزب کمونیست ایران نفوذ قابل توجهی میان اجتماعيون بدست آورد . اعضا حزب در سازمانهای این جمعیت دارای فراکسیون های حزبسی بودند ، بنحوی که برای کنگره ی اجتماعيون که قرار بود تشکیل شود و بمناسبت تغییر سیاست رضاخان تشکیل نشد و بساط خود حزب برچیده شد ، عده ی قابل توجهی از کمونیست ها انتخاب شده بودند . دوام بیشتری جمعیت های فرهنگی داشتند که را با توسط کمونیست ها در شهرهای مختلف تشکیل شدند : جمعیت " فرهنگ " رشت ، جمعیت " فرهنگ " انزلی ، جمعیت " پرورش " قزوین . این جمعیتها با استفاده از روحیه ی انقلابی آنزمان توانسته بودند سرگل جوانان شهرهای خود را در پیاقشرهای وسیع مردم رابطه برقرار کنند . فعالیت این جمعیتها منحصر به فعالیت فرهنگی نبود . اعضا آنها برای کارزارهای سیاسی نیز تجهیز میشدند .

علاوه بر آن حزب کمونیست ایران در این دوران فعالیت وسیعی بین زنان انجام داد . جمعیت " پیک سعادت نسوان " که در واقع شعبه ای از فرهنگ بود ، دوش بدوش آن جمعیت فعالیت میکرد . در تهران جمعیت " بیداری زنان " که مستقیماً بدست حزب تشکیل شده بود . نمایشنامه های متعدد در صحنه گذاری کرده یکی از آنها مصادف باروز هشتم مارس بود و برای نخستین بار با انتقال پلیس از این روز بین المللی تجلیل شد . این جمعیتها مطالبات خاص زنان را در برنامه های خود مطرح میساختند . در این دوران و در اینها بعدی حزب کمونیست ایران توجه خاصی به فعالیت ایدئولوژیک داشت . مطبوعات حزبی آنزمان مقام ویژه ای در تاریخ جنبش کمونیستی دارند . روزنامه " حقیقت " بمد پریت سید محمد دهگان عضو کمیته ی مرکزی حزب که رسماً ارگان اتحادیه های کارگری تهران ، ولی در واقع کار ارگان مرکزی حزب را انجام میداد و میسها و بازیان ساده افکار و نظریات مارکسیستی را در دسترس توده ها قرار میداد .

نخستین شماره ی این روزنامه باشعار " زنجیر روی زمین اتحاد " در ۹ دی ۱۳۰۰ انتشار یافت و بواسطه ی تحلیل مارکسیستی حوادث بزبان ساده مطرح مسائل مردم روز از وضع کارگران و دهقانان و نواورهای خود بزودی در ردیف پرتیراژ ترین روزنامه ها درآمد و معمولاً پس از توزیع کامل بچند برابر قیمت خرید و فروش میشد . مقالات مسلسل روزنامه ی " حقیقت " در باره ی تاریخ جنبش کمونیستی توجه روشنفکران را بخود جلب کرد . شدت عصبانیت رضا شاه را از موفقتهای که روزنامه " حقیقت " پیدا کرده بود از اینجامتیوان فهمید که برای مشیرالدوله نخست وزیر وقت پیمان داد که این روزنامه باید توقیف شود و اگر توقیف نشود دستور میدهم شمارا به نخست وزیری راه ندهند . نکته ای که باعث سقوط حکومت مشیرالدوله شد .

پس از توقیف روزنامه ی " حقیقت " روزنامه های " کار " و " دهگان " انتشار یافتند که باهماً سیک کار روزنامه ی " حقیقت " و " پیکان " منتها با مطالب ساده تری خلا را پر کردند . روزنامه ی هفتگی " خلق " نیز باین دو اضافه شده که ترجمه ی کتاب " الفبای کمونیسم " را در پاورقی منتشر میکرد . حزب در روایات نیز مطبوعاتی داشت که از مجله ی " فرهنگ رشت " و روزنامه ی " جمعیت " قزوین

که در پاورقی به نشر بمقالاتی در باره ی ماتریالیسم دیاکتیک آغاز کرده بود میتوان نام برد.
بعجاست که یادی نیز از مجله ی "جرقه" بشود. از این مجله ی نفیسی و پر حجم و پر مطلب که
بحث در اطراف مسائل اجتماعی و سیاسی از نظرماتریالیسم... لنینیسم آغاز کرده بود، دو شماره بهیشت
منتشر نشد. ولی همان دو شماره جای پرارزشی برای این مجله در تاریخ مطبوعات مارکسیستی لنینیستی
ایران باز کرده است و یچراغات میتوان آنرا سلف مجله ی "دنیا" دانست.
در این دوران سازمان جوانان کمونیست نیز تشکیل شد و پاکوشش حزب که خود از بدو و تشکیل
در کمینترین عضویت یافته بود اتحادیه های ایران و سازمان جوانان کمونیست نیز بترتیب به عضویت
انترناسیونال بین المللی اتحادیه ها (پروف اینترین) و بین الملل جوانان درآمدند.
برای رضاخان که پس از گذراندن کارزاری بمنظور اعلام جمهوری بفتح خود اکنون بفکر سلطنت
افتاده بود نیروهای مترقی و پیوسته حزب کمونیست ایران میتوانستند سد راه باشند. لذا حزب کمونیست در
معرض پیگرد شدیدی قرار گرفت، به فعالیت جمعیت "اجتماعیون" نیز بتدریج پایان داده شد، روزنامه
"نعمیحت" که از بقایای مطبوعات حزب بود توقیف و واعظ قزوینی مدبر آن بطرز فجیحی بقتل رسید.
حزب وارد مرحله ی دشوارتریارزه... مبارزه همیق زیرزمینی شد.



باآنکه پس از کارزار برای اعلام جمهوری و پیوسته هنگام کارزار برای لغو سلطنت قاجاریه سیمأ
واقعی رضاخان خود را روشنتر و نمایانتر میساخت، شخصیت وی هنوز برای برخی نیروهای مترقی معمانی
بود. مردی بود از میان مردم برخاسته، طردکننده ی سهد ضیاالدین... عامل شناخته شد انگلیس...
وکسی بود که برای همکاری بانروهای مترقی آمادگی ظاهری نشان داده بود و حزب کمونیست در عین
داشتن روش انتقادی مدتی از وی پشتیبانی میکرد. علاوه بر آن سیاست تمرکز و سرکوب فتوون الهام و خون
نیز که ظاهراً مخالف سیاست سنتی انگلیس یعنی حکمرانی از راه جدائی انداختن بود، از نظر عینی
مترقی و میهن پرستانه بمنظرمیرمید. لذا عده ای پیوسته اکثریت کمیته ی مرکزی هنوز معتقد به سیاست
مبارزه و وحدت باوی بودند. و حال آنکه اقلیت رهبری باتجزیه و تحلیل هشیارانه تری از اوضاع عمومی
جهان و موقعیت ایران به نتیجه ی دیگر و صحیحتری میرسید و آن اینکه تشکیل دولت سوسیالیستی
شوری اکنون اجرای سیاست دیگری را از طرف دشمنان این کشور پیوسته امپریالیسم انگلیس اینجسباب
مینمود. و آن رنجبیر محاصره ای از کشورهای دارای رژیم ضد شوروی و تقویت نیروهای این دولت بود که
ایران یکی از آنها محسوب میشد و اکنون تمرکز و تقویت نیروهای آن در برنامه قرار میگرفت، مضافاً بر
اینکه رضاشاه که بتدریج به بزرگترین ملاکان کشور بدل میشد در موضع یلاتردید ضد شوروی قرار گرفته بود.
کنگره ی دوم (۱۹۲۷) با کمک کمینترین اختلاف را بفتح پلانفرم اقلیت حل کرد و پافشارتس برین
مدافعی پلانفرم طرف مقابل از حزب اخراج شدند. احیاً وحدت ایدئولوژیک امکان داد که حزب بسا
وجود دشواریهای ناشی از پیگرد ها بانزری و ثمربخشی بیشتری بکار خود ادامه دهد. (۱)
کنگره ی دوم راه روشنی در مقابل حزب بازکرد و فعالیت آنرا متوجه تقویت سازمانی و ایدئولوژیک
مبارزه با ارتجاع داخلی و در رایش آن رضاشاه و امپریالیسم و بطور عمده امپریالیسم انگلیس نمود.
با وجود شرایط دشواریارزه، حزب در دوران پس از کنگره ی دوم کامیابیهای شایان توجهی
پیوسته در مراکز کارگری بدست آورد.

(۱) در باره ی کنگره ی دوم حزب کمونیست ایران (کنگره ی ارومیه) مقاله ویژه ای از طرف اینجانب در
مجله دنیا (شماره ۳ سال اول) درج شده است و در اینجانبکارانراژانده میدانم.

نشان دهند ه ی نضج جنبش کارگری ایران اعصابهائی است که همه ی آنها مستقیماً تحت رهبری حزب انجام میگرفت :

اردیبهشت ۱۳۰۸ اعصاب عمومی کارگران نفت جنوب که در آن بیست هزار نفر شرکت جستند و در سرکوب آن علاوه بر نیروی نظامی ایران نیروی دریائی انگلیس نیز شرکت داشت . کمونیستهای رهبر این اعصاب همچنان بلا تکلیف در زندان رضاشاهی ماندند تا شهریور ۱۳۲۰ فرار سید . سپس اعصاب ۱۲۰۰ نفر کارگروه آهن مازندران در تابستان همین سال انجام گرفت . اردیبهشت ۱۳۱۰ اعصاب کارگران کارخانه ی کازرونی " وطن " در اهفهان که بزرگترین کارخانه ی آنزمان بود . در نتیجه ی این اعصاب ساعات کار روزانه به ۹ ساعت تقلیل یافت و ۲۰٪ به مزد کارگران افزود ه شد . نهراله اصلانی (کامران) رهبر این اعصاب تحت الحفظ پتهران اعزام گردید که بین راه توانست فرار کند . در نتیجه ی این اوج جنبش کارگری است که قانون سیاه ضد کمونیستی دهم خرداد ۱۳۱۰ به فرموده ی رضاشاه از مجلس میگذرد و بایزاد اشتها و پیگرد های متعاقب آن برای مدتی فعالیت حزب را متوقف میسازد .

در مرحله ی حمله ی پیرحمانه ی ارتجاع سیاه علاوه بر کمکهای عمومی کمینترین و ککهای ویژه ی حزب کمونیست اتحاد شوروی بهجاست که یاد ی از کمکهای میشود که حزب کمونیست آلمان به حزب مکرده است . در سال ۱۳۱۰ مسائل انتشار مرحله ی تنوریک حزب ، " ستاره ی سرخ " و روزنامه ی ارگان حزب -- " پیکار " را حزب کمونیست آلمان فراهم نمود که بکمک آن اولی در روپن و دومی نخست در برلین و سپس در وین منتشر میشد . روزنامه ی " ستاره ی سرخ " به مسائل تنوریک مارکسیستی و مقالات تحلیلی مربوط به اوضاع داخلی کشور و روزنامه ی " پیکار " به مسائل آکتوئل تخصیص یافته بود .

در این مطبوعات مسائل مبتلا به روز ، تحلیل مرحله ی انقلاب ایران ، تشریح انقلاب بورژوازی و بورژوا -- د میکرآتیک ، لزوم سرکردگی طبقه ی کارگر و مقالاتی در باره ی امپریالیسم از اثر لنین نشر می یافت . آنچه که ارتجاع ایران و دریاس آن شخص رضاشاه را از کوره بدر میبرد جنبه ی افشاگرانه ی روزنامه ی پیکار بود . یکی از مسائل حاد آنروز موضوع امتیاز نفت جنوب بود که مقدمه ی تمدید آن بسا تظاهر به مخالفت پان آغاز شده بود . روزنامه ی " پیکار " تحت عنوان " پیکار اسرار افاش مینماید " (۱۵ دسامبر ۱۳۳۲ - ۲۴ آذر ۱۳۱۱) و سپس در مقالات مسلسل ماهیت مذاکرات با کمپانی نفت و هدف آن یعنی تمدید این امتیاز قیمت بالا بردن ناچیز سهم ایران را آشکار ساخت و در خط سابی به کارگسران و عموم زحمتکشان ایران اعلام داشت که آنچه از نظر منافع مردم مامطرح است عبارتست از : تصرف فوری مؤسسات نفتی و طرد کمپانی نفت جنوب ، الغا کلیه ی دیون ایران به انگلیس ، قطع عملیات بانسک شاهنشاهی که یکی از عمل عد ه ی امپریالیسم در ایرانست ، تحریم امتعه ی انگلیسی و غیره (پیکار سال سوم ، شماره ی ۲۱) .

همانیت شدید رضاشاه از همان پد و انتشار روزنامه ی " پیکار " وی رابه اقدام رسوائی واداشت که عبارت بود از فراخواندن سفیر ایران از آلمان و تهدید بقطع روابط سیاسی در صورت ادامه ی نشر این روزنامه در آلمان . گویانکه پلیس آلمان بلافاصله دست باقدا م زد و روزنامه ی پیکار توقیف شد ، مدیر مسئول آن دکتر کارل وهنر (Carl Wehner) که از طرف حزب کمونیست آلمان انتشار روزنامه رابعهد گرفته بود . در معرض پیگرد قرار گرفت و مرتضی طوی که از طرف کمینترین مامور کار حزب در آلمان بود تبعید گشت -- ولی محاکمه ی پیکار که در Moabit و سپس بر اساس شکایت پیکار در محکمه ی عالی تمیز آلمان در لایپزیک انجام شد ، رسوائی بازهم بیشتری برای رضاشاه بیار آورد . وکیل پیکار که از طرف حزب کمونیست آلمان معرفی شده بود ، پده از روی جنایات رضاشاه برافکند و با ارائه ی اسناد و مدارک متقن (قتل واعظ قزوینی ، قتل عشقی ، موضوع فرخی یزدی که همان زمان بعنوان مهاجر در آلمان بسر میبرد و برای شهادت حاضر بود و غیره) حقانیت نوشته های پیکار را ثابت کرد .

نمود آروشمی از استبداد منشی و آزمندی رضاخان موضوع قتل واعظ قزوینی است. در مجله آلمانی "ولت بونه" (Weltbühne) ۱۹ آوریل ۱۹۳۲ چنین میخوانیم:

"یحیی واعظ مدبر روزنامه ی "نصیحت" بود. در سال ۱۹۲۵ وی آشکارا در خیابان تهران کشته شد زیرا در روزنامه خود مطالبی علیه برگزیدن رضاخان به مقام سلطنت و پشتیبانی از اعلام جمهوری در ایران نگاشته بود. قاتل دستگیر شد. وی ظناً به کردی خود میباید، بدون آنکه به مسئولیت جلب شود. دو روز قبل از کشته شدن واعظ از طسرف رضاخان احضار شده بود تا شاید بتوان وی را موافق ساخت. ولی واعظ ایستادگی کرد. رضاخان وی را مرخص کرد و تهدید نمود که دو روز نخواهد گذشت که وی سزای کار خود را خواهد دید. دو روز بعد واعظ کشته شد." (۱)

خوانندگان این ستور از مجله ی آلمانی "ولت بونه" برای ما از این نظرا همیت در اردکده ملك الشعر اء بهار در تاریخ خود مدعی است که واعظ را بمناسبت شباهتی که به بهار داشته است بجای وی کشته اند. و حال آنکه مدارک و شواهد عکس آنرا حکم میکند. کشته شدن واعظ حسین فشنگی است که پدستور رضاخان این کار را انجام داد و خود به این عمل خود، همانطور که در مجله ی "ولت بونه" آمد ه است، میباید ه امت.

در ورقه ی منتشره از طرف دانشجو یان مرفقی ایرانی در پاریس در باره ی توقیف پیکار از جمله چنین میخوانیم:

"روزنامه ی پیکار تشها بارقه ای بود که به ملت ایران ... روح تازه دمید و امید آوری میداد. از این جهت هیچ مایه ی تعجب نیست اگر حکومت ایران انتشار پیکار را برای خود یک مسئله ی حیاتی دانسته به حکومت آلمان تهدید قطع روابط نمود. ده است ... خوشبختانه همانطور که ما انتظار داشتیم جرائد آزاد یخواه و مخصوصاً جرائد کارگری آلمان ... ساکت ننشستند ... توقیف پیکار و تبعید یک محصل انقلابی برای ماتوفیق اجباری شده که تمام جرائد آلمان به مسئله ی ایران توجه نمودند و ... ما توانستیم شمه ای از اوضاع امروزی و رژیم استبدادی و هویت شخص رضاخان را در جرائد کارگری و آزاد یخواه آلمان منتشر نماییم."

بهنگام توقیف "پیکار" روزنامه ی "نهضت" تحت مسئولیت اریش رینکا (Erich Rinka) در برلن انتشار یافت و سپس پیکار ادامه ی حیات داد و شماره هائی از آن در وین طبع و به ایران ارسال میگردد.



از اوائل سال ۱۹۳۳ کمیتن با اعزام یک مخصوص و انتخاب نمایند ه ای برای ایران مقدسات احیا رهبری حزب را فراهم نمود و هشتی اولیعی آن با شرکت دکترتقی ارانی تشکیل شد (۷). مجله "دنیا" (۱) مجله ی "ولت بونه" این اظهارات را از قول وکیل مدافع روزنامه "پیکار" در ادگاه آلمان نقل میکند و میگوید که این وکیل مدافع عکس جسد مثله شدی واعظ را نیز به دادگاه ارائه داد. عکس وکیل مدافع ارائه میدهد عکس جسد واعظ با سر نیم بریده است که یکی از افسران کلانتری مجلس در همان موقع پنهانی به حزب داد و بود و توسط حزب تکثیر شد.

(۲) یک اعزامی کمیتن همان رفیق کامران (نسراله اصلانی) بود که اعتماد کارخانه ی "وطن" اصفهان را سازمان داد و بود.

که قبلاً از طرف دکتر ارانی تا سپس شده و منتشر میگشت بعنوان ارگان حزب شناخته شد.
وظائفی که در مقابل هسته‌ی جدید رهبری قرار گرفت گرد آوری نیروهای پراکنده و تهیه‌ی کادر
برای آینده و از این لحاظ فعالیت خاص میان روشنفکران بود.

نقش اخیر را مجله‌ی "دنیا" و شخص دکتر ارانی بوجه احسن ایفا کردند.
مجله‌ی "دنیا" هنگامی به انتشار خود آغاز نمود که حزب کمونیست تار و مار شده بنظر می‌آمد و
از این جهت توجه خاصی به نشر به‌ی جدید وجود نداشت. بعلاوه مجله‌ی "دنیا" توانست خود را
در سایه‌ی زبان باصطلاح "ازوپ" مستور دارد بنحوی که پلیس تاموقع کشف سازمان نوین به
ماهیت واقعی آن پی نبرده بود.

مجله‌ی "دنیا" را از نظر کار ایدئولوژیک و پخش اندیشه‌های مارکسیستی — لنینیستی باید
پر ثمرترین دوران فعالیت حزب کمونیست ایران دانست. ترویج سیستماتیک این اندیشه‌ها عده‌ی
زیادی از روشنفکران را که تشنه‌ی آشنائی با آن بودند در مجله و دکتر ارانی گرد آورد.

مجله‌ی "دنیا" پس از یکسال ونیم در حالیکه پلیس هنوز در حال اقبال بود بعلمت تهمیم و زارت
فرهنگ که کارمند آن خود را از خالت در سیاست ممنوع میداشت تعطیل شد ولی تا آن هنگام کار خود را کرده
بود. از میان روشنفکرانی که در اطراف آن و ارانی گرد آمده بودند کادر رهائی برای آینده‌ی حزب تربیت یافتند
هم اکنون مجله‌ی "دنیا" ارگان ثئوریک حزب ماکه ادامه دهند به کار ارانی و یاران اوست
اسناد آنروزی دنیا را منتشر میکند تا خوانندگان به اهمیت کاری که آنروز انجام شده است پی ببرند.

از وقایع این دوران کوتاه که در اردیبهشت ۱۳۱۶ بابا زادت عده‌ی ای از کارگردانان حزب پایا
پی پذیرد میتوان اعتصاب کارگران راه آهن مازندران و اعتصابات دانشکده‌ی فنی تهران و مدرسه‌ی
دارالفنون را ذکر کرد. اعتصابیون خواستار بهبود وضع تدریس و تعویض برخی از معلمان بودند که
خواست آنها، بدون آنکه پلیس پی برده باشد که اعتصاب از چه ناحیه‌ی اداره میشود برآورده شد.
کشف سازمان نوین حزب که مقدمه‌ی محاکمه‌ی معروف به "۳ نفر" بود برای یکبار دیگر فعالیت حزب را
دچار وقفه کرد. ولی خود محاکمه‌ی ۵۳ نفر، دفاع متهمین و درد رجه‌ی اول دفاع تاریخی دکتر ارانی
انگیزه‌ی ای بود برای شناساندن حزب کمونیست و کمونیستهای ایران که دستگاه حاکمه را بجای خود روی
نیگمت متهمین نشانند.

پایان دوران اخیر فعالیت حزب کمونیست ایران آغاز پایان دوره‌ی خود کامگی و دیکتاتوری رضا
شاه بود. سقوط رضا شاه امکانات جدیدی برای کار کمونیستها فراهم ساخت. آنان تحت لوای حزب
توده‌ی ایران بمطابق خلف شایسته و جانشین حزب کمونیست ایران کار و راه آنرا بمقیاس بمسابقه‌ی ای
ادامه دادند. آنچه را که حزب توده‌ی ایران از نظر تشکل آموزی، ترویج مارکسیسم لنینیسم و تربیت افراد با
روح فدکاری و از خودگذشتگی انجام داد به باکلمات زرین در تاریخ جنبش رها ئی بخش کشور ماثبت است و حک
نشدنی است که خود تاریخی است جداگانه، حجیم و آموزنده. حزب ما همچنان زنده است و راهی را که
حزب کمونیست ایران پاز کرد با پیگیری و وفاداری به آرمانهای آن ادامه داد و خواهد داد.

زنده باد پنجاهمین سالروز حزب کمونیست ایران!

زنده باد حزب توده‌ی ایران — وارث و ادامه دهند به راه حزب کمونیست ایران!

زنده باد کمونیسم!

برای تنظیم این سخنرانی علاوه بر اطلاعات و مقالات خود سخنران از مدارک نقل شده در آثار زیر نیز
استفاده شده است:

بقیه در صفحه بعد

(۱) م. ن. ایوانوا — جنبش رها ئی بخش ملی ایران

بقیه ی زیرنویس صفحه ی قبل :

- М. Н. Иванова : "Национально-освободительное движение в Иране".
(۲) م . م . ایوانف . — "طبقه ی کارگر ایران معاصر"
- М. С. Иванов: "Рабочий класс современного Ирана".
(۳) آگاهی . — نشر اندیشه های مارکسیسم — لنینیسم در ایران
- А. М. Агахи: "Распространение идей Марксизма-Ленинизма в Иране".
(۴) تقی شاهین . — تشکیل حزب کمونیست ایران (به زبان آذربایجانی)
- Шахин: "Иран Коммунист партијасинин јаранмеси".

